

## «چشم زخم» در جامعه امروز\*

دکتر منیژه مشیری<sup>۱</sup>

### چکیده

با پیشرفت جوامع ممکن است در بین مردم پاره‌ای از اعتقادات کم‌رنگ‌تر یا به کلی فراموش شود. اعتقاد به چشم زخم باوری قدیمی است. مروری بر پیشینه تاریخی آن نشان می‌دهد که حتی در دوران قبل از اسلام، در متون اوستایی و پهلوی، نیز آثاری از این اعتقاد دیده می‌شود.

این باور قدیمی هنوز هم در بین مردم ایران همانند دیگر کشورها رواج دارد و افراد برای دفع چشم بد و در امان ماندن از آن به اقدامات مختلفی، متوسل می‌شوند. دعا

---

\* نگارنده در تدوین این نوشته، علاوه بر منابع گوناگون، به طور شفاهی نیز از اطلاعات ارزشمند عزیزان محترمی برخوردار بوده است که جا دارد از آنها صمیمانه قدردانی شود. خانم آذر احمد راجی مسئول کتابخانه مرکز ضمن خدمت شهید باهنر تهران به خاطر اطلاعات ارزشمندشان در مورد رسوم مردم شمال ایران درباره چشم زخم، به‌ویژه ساکنان سادات محله رامسر؛ خانم پاملا براین، مدرس زبان انگلیسی، به جهت اطلاعاتشان در مورد رسوم بعضی از مردم انگلستان و مردم ترکیه در مورد چشم‌بید؛ و خانم مریم دیسفانی، مدرس معارف اسلامی که نگارنده را در مورد مباحث و منابع دینی با صمیمیت، حوصله فراوان و بی‌دریغ راهنمایی نمودند.

۱. دکترای زبان‌شناسی (Dr\_mmshiri@yahoo.com)

کردن، مهره چشم زخم با خود داشتن، دود کردن اسفند و تخم مرغ شکستن از جمله کارهایی است که افراد در موقع احساس خطر کردن از چشم بد خوردن، انجام می دهند. روش تحقیق در مقاله بر اساس روش است.

**کلید واژه‌ها:** چشم زخم، اسفند، شکستن تخم مرغ، نظرقربانی، زدن به چوب

#### مقدمه

در بین مردم ایران این باور قدیمی رواج دارد که افراد در معرفی چشم زخم قرار دارند و افراد برای دفع آن به اقدامات مختلفی متوسل می شوند اینکه چشم زخم چیست و مستندات دینی و عقلی آن چیست و مردم برای دفع چشم بد و در امان ماندن از آن چه اقداماتی انجام می دهند مباحثی است که در این متن به آن‌ها پرداخته می شود.

#### تعریف چشم زخم

در کتاب برهان قاطع در مورد چشم زخم آمده است که: «آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن ایشان، کسی را و چیزی را به هم رسد و عرب العین الالامه خوانند.» (محمدحسین بن خلف تبریزی، بی تا: ۱۰۸).

واژه‌های چشم بد، چشم زخم، چشم حسود، چشم شور، چشم کاسه خشک و فعل‌هایی از قبیل چشم زدن، نظر زدن و چشم خوردن و چشم کردن همه به طور مترادف در ارتباط با تعریف کتاب برهان قاطع به کار می روند. اساس این اعتقاد بر این است که بعضی افراد این ویژگی را در وجود خود دارند که چنانچه به کسی یا چیزی متعلق به وی با حسرت و آه، تحسین خیلی زیاد و شگفتی، حسادت و یا علاقه خیلی افراطی نظر بیندازند آن شخص یا آن چیز بر اثر نگاه آنها صدمه می بیند. برای مثال آن شخص چشم خورده، بیمار می شود یا آن شی چشم خورده، خراب می شود یا می شکند. در مورد این افراد می گویند بد چشم، چشم شور و یا دارای چشم کاسه خشک هستند و یا می گویند چشمشان «رَدخور ندارد». در مورد صدمه دیده نیز می گویند «چشم خورده، نظر خورده، نظرش زده‌اند، چشم دارد و یا چشمش کرده‌اند». این اعتقاد حتی در بعضی

به حدی شدید است که اگر کسی زخمی بردارد و یا قسمتی از عضو بدنش دچار سوختگی شود چنانچه آن صدمات به صورت بیضی باشد می‌گویند این شکل چشم است و حتماً این آسیب بر اثر چشم شور کسی اتفاق افتاده است.

### چه کسی چشم می‌زند؟

برطبق این باور کسی که چشم می‌زند لازم نیست علامت یا ویژگی خاصی داشته باشد. او می‌تواند دوست، همسایه، فرد غریبه، قوم و خویش، رهگذر، افراد همان خانه یا حتی خود شخص باشد. حتی می‌گویند مادر هم از روی علاقه زیاد ممکن است فرزندش را چشم بزند. کسی که چشم می‌زند حتی امکان دارد از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سایر جهات نیز برتر از فرد چشم خورده باشد. بعضی می‌گویند اگر خانم بارداری به جسدی چشمش بیفتد، بچه‌اش چشم‌شور خواهد داشت.

### چشم زخم در قرآن کریم و نهج البلاغه

در قرآن کریم در سوره القلم (۵۱) چنین آمده است: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۶۷۱) «(ای رسول) نزدیک بود کافران به چشمان بدچشم زخمت زنند که چون آیات قرآن بشنوند (در فصاحتش حیرت کنند از شدت حسد) گویند که این شخص عجب دیوانه است».

بسیاری از مفسران گفته‌اند: منظور این است که دشمنان به هنگامی که آیات با عظمت قرآن را از تو می‌شنوند، به قدری خشمگین و ناراحت می‌شوند، و با عداوت به تو نگاه می‌کنند که گویی می‌خواهند تو را با چشم‌های خود بر زمین افکنند و نابود کنند. آنها وقتی آیات قرآن را می‌شنوند آن‌قدر مجذوب می‌شوند و در برابر آن اعجاب می‌کنند که می‌خواهند تو را چشم بزنند (زیرا چشم زدن معمولاً در برابر اموری است که بسیار اعجاب‌انگیز است). (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۸۵). در سوره یوسف (۶۷) چنین آمده است: «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا

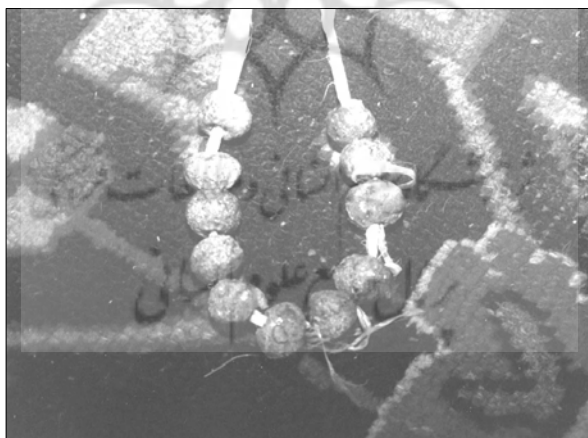
أَغْنَىٰ عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مَنْ شَىٰءٍ إِنْ الْحَكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
الْمُتَوَكِّلُونَ» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۲۸۲)

هنگامی که می‌خواستند حرکت کنند، یعقوب گفت: «فرزندان من از یک در وارد نشوید، بلکه از درهای متفرق وارد گردید و من (با این دستور) نمی‌توانم حادثه‌ای را که از سوی خدا حتمی است از شما دفع کنم، حکم و فرمان تنها از آن خدا است. بر او توکل کرده‌ام و همه متوکلان باید بر او توکل کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۶۴۵)

یعقوب که نمی‌خواست هنگام ورود به مصر، به پسرانش چشم‌زخمی وارد شود به آنان توصیه کرد که از یک دروازه وارد شهر نشوند بلکه از دروازه‌های متعدد داخل شوند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فَلَوْ كَانَ شَيْءٌ يَسْبِقُ الْقَدْرَ لَسَبَقَهُ الْعَيْنُ» «اگر چیزی می‌توانست بر قضا و قدر پیشی گیرد چشم زدن بود.» (همان، ۱۳۸۱: ۴۳۷)

در نهج‌البلاغه نیز در حکمت ۴۰۰ آمده است: «قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْعَيْنُ حَقٌّ» امام علی (ع) فرموده است: «چشم زخم حق است.» (یعنی راست است و اثر دارد). (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۹۲)



## چشم‌زخم در ادبیات فارسی

در ادبیات فارسی نیز چشم‌زخم، چشم بد و چشم‌شور هم در نظم، هم در نثر آمده است.

**فردوسی:** ندانم چه چشم بد آمد بر اوی

چرا پژمرد آن چو گلبرگ روی (دهخدا، ۱۳۳۸: ۶۲۲)

**سنایی:** آدمی باگنه شکسته‌تر است

پای طاووس چشم‌زخم سر است (همو، ۱۳۳۸: ۴۰۹)

**خاقانی:** مراچه نقصان‌گر جفت من بزاد کنون

به چشم‌زخم هزاران پسر یکی دختر

چشم‌زخمی را که دید اقبال‌ها بیند چنانک

قد او بر چشم خورشید اسب تازد هر زمان (همو، ۱۳۳۸: ۳۶۶)

**نظامی:** مبدا بی‌تو هفت اقلیم را نور

غبار چشم‌زخم از دولت دور

شد از گوشه چشم‌زخمی نژند

تب آمد شد آن نازنین دردمند

تیز خاری که در گلستان بود

از پی چشم‌زخم بستان بود

چو چشم بد همیشه دورم از تو

چو بدخواه لب‌ت رنجورم از تو (همو، ۱۳۳۸: ۷۵۷)

**حافظ:** به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرصاد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

هرآنکه روی چو ماهت به چشم بد بیند

بر آتش توبه جز جان او سپند مباد

ای دوست دست حافظ تعویذ<sup>۱</sup> چشم زخم است  
یارب که بینم آن را در گردنت حمایل  
خوش دولتی است خرم و خوش خسروی کریم  
یارب ز چشم زخم زمانش نگاهدار

ای ملک العرش مرادش بده  
وز خطر چشم بدش دار گوش (حافظ شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۸۶)  
صائب: آبی جز آب تیغ که از چشم شور خلق  
لب تشنه را گره نشود در گلو کجاست؟ (دهخدا ۱۳۳۸: ۵۹۰)

هاتف اصفهانی: آخر کار شوق دیدارم  
سوی دیر مغان کشید عنان

چشم بد دور خلوتی دیدم  
روشن از نور حق نه از نیران (هاتف اصفهانی، ۱۳۲۲: ۸۴)

تاریخ بیهقی: در تاریخ بیهقی درباره قاضی وقت و سلطان محمد غزنوی داستانی  
آمده که آخر آن چنین پایان می‌گیرد: «امیر بنخندیدی و بونصر را گفتی «چشم بد دور از  
بولانیان»

و باز در تاریخ بیهقی آمده است: «چون کار به آخر رسید چشم بد بدو خورد که  
محمودیان از حیلت نمی‌آسودند.»

«چشم بد دور که نوشیروان دیگر است.» (بیهقی، ۱۳۷۶: ۳۶۶)

۱. دعایی که نوشته و به گردن یا بازو بندند تا دفع چشم زخم و بلا کند. (معین) مترادف با آن پنام هم آمده است.

## چشم‌زخم در متون اوستایی و پهلوی

در متون اوستایی کلمه (christian bartholomae, 1961:85 duž – dōiēra) به صورت صفت و به معنی «دارای چشم‌شور و چشم‌زننده» آمده است. معادل پهلوی برای این واژه (duš-) dujdoysarih به معنی «چشم‌زننده، بدچشم» می‌باشد.

(mac kenzie, D.N. , 1971: 94)

در یشت سوم<sup>۱</sup>، اردیبهشت‌یشت، در بند هشت به صورت صفت برای مرد آمده است: «... ای مرد بدچشم بگریز...». و در بند یازده این چنین آمده: «... افتراء زن را براندازد. چشم‌بد زننده را براندازد.» و در بند پانزده آمده است که: «... در میان چشم‌بد زندگان آن که چشم‌بد زننده‌تر است خواهند برانداخت. در میان چشم‌بد زندگان با آنکه چشم‌بد زننده‌تر است ستیزه خواهند نمود.» (پورداوود، ۱۳۷۴: ۸۹)

در اوستا واژه - ayašya اسم مؤنث و به معنی «چشم‌بد» آمده است. (وندیداد<sup>۲</sup> ۲۰ فقره ۳ و ۷). معادل این واژه در پهلوی ayaš dēv است (فهره‌وشی، ۱۳۵۲: ۵۳) که چنین وصف شده است:

Ayaš i pūtak i āhōkēnītār ān druž

i šōrčašmīh kē martum pa čašm žanēt

یعنی آغشِ فاسدِ آلوده‌کننده، آن دروغ‌شورچشمی که مردم را با چشم می‌زند.

(bartholomae, 1961:86)

۱. یشت: کلمه یشت که در اوستا به صورت یشتی و در پهلوی به صورت یشتن آمده است به معنی ستایش و نیایش و پرستش و فدیة می‌باشد. چهارمین کتاب متون اوستایی، یشت‌ها، دارای بیست و یک یشت است و هر یشت به ایزد یا فرشته‌ای اختصاص دارد (ابراهیم پورداوود، ۱۳۴۷: ۸۹)

۲. وندیداد: سومین کتاب از متون اوستایی است و مطالب عمده آن درباره قوانین مذهبی است (همان، ۱۳۴۷: ۸۸)



### راه‌های مختلف دفع زخم چشم

آنها که به چشم‌زخم اعتقاد دارند برای دفع و یا پیشگیری از آن روش‌های گوناگونی به کار می‌برند. بعضی سعی می‌کنند خودشان یا چیزی را که متعلق به آنهاست در مقابل چشم حسود جلوه ندهند. به عنوان مثال اگر به موفقیتی دست یافته‌اند، نگذارند افراد شورچشم از آن مطلع شوند. بعضی اگر فرد چشم‌شوری وارد منزلشان شود زیاد خود را شاد و سرحال و بدون غم نشان نمی‌دهند و سعی می‌کنند در مقابل او بنالند تا آنها را چشم نزنند. یا همچنین اگر شیء با ارزشی داشته باشند که ممکن است چشم بخورد از جلو چشم آن شخص برمی‌دارند، یعنی به‌طور کل سعی می‌کنند حسادت این افراد برانگیخته نشود و کسی برای موقعیت خوب آنها آه نکشد. این افراد معتقدند باید طوری باشند که در نظر جلوه نکنند یا به اصطلاح «به چشم کسی نیابند» و می‌گویند باید از افراد چشم‌شور فاصله گرفت.

بعضی نیز وقتی آدم چشم‌شوری منزلشان را ترک کرد مقداری پول برمی‌دارند و در حالی که می‌گویند «بترکه چشم حسود» آن را دور سر افراد خانواده یک به یک می‌گردانند و آن‌را کنار گذاشته، به اولین مستحقی که ببینند می‌دهند. عده‌ای نیز پولی



شب زیر بالش فردی که ممکن است به چشم فرد چشم‌شور آمده باشد می‌گذارند و صبح بعد هرچه سریع‌تر آن را به مستحق می‌دهند. به هنگام گذاشتن پول در زیر بالش نیت می‌کنند و می‌گویند «به نیت دفع چشم بد و قضا و بلا».

عده‌ای نیز معتقدند برای دفع چشم‌زخم باید به پوشاک فرد بدچشم نزدیک شد و بدون آنکه وی متوجه شود نخ‌ری را هر قدر هم کوچک و ریز باشد، از لباس یا چادرش کند و همان موقع آن را در آشپزخانه آتش زد تا اثر چشم بد او خنثی شود.

یکی از دعاهایی که بزرگ‌ترها در حق کوچک‌ترها می‌کنند این است که «انشاء الله خداوند تو را از چشم حسود و یا «چشم کاسه‌خشک» محافظت کند.

کسی که فکر کند با آدم چشم‌شوری مواجه است برای دفع چشم او سه بار در دل «الله اکبر» می‌گوید.

بعضی برای مصون ماندن از چشم‌شور، صبح قبل از شروع فعالیت روزانه «چهارقل» را می‌خوانند و به خود یا به عزیزانشان فوت می‌کنند. «چهارقل» عبارت از چهار سوره از قرآن کریم است که با «قل» شروع می‌شوند و عبارتند از: «قل یا ایها الکافرون...»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ...» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...». عده‌ای فقط ۷ بار «قل هو الله...» می‌خوانند و عده‌ای نیز با خواندن «آیه الکرسی...» خود و عزیزانشان را از چشم‌زخم مصون می‌دارند.

اگر کسی یکی از عزیزانش به خاطر پوشیدن لباس نو یا تغییری به نظرش زیبا بیاید، برای اینکه او را چشم نزند بلافاصله به یک چیز چوبی می‌زند و می‌گوید «بزنم به چوب یا بزنم به تخته»، یا: «چشمم به کف پات» یا «الهی چشم بد ازت دور باشه»، یا «الهی چشم نخوری»، یا «الهی چشم حسود بترکه» و یا «خدا تو را از چشم کاسه‌خشک محافظت کنه» یا «چقدر این لباس به تو می‌یاد».

بعضی برای تعریف از کسی حرفشان را با «ماشاءالله، ماشاءالله»، «تبارک الله» و یا «لا حول ولا قوة الا بالله» شروع می‌کنند و معتقدند که این کلمات چشم بد را از او دور می‌کند.

کسی که قصد دارد برنامه‌ای برای آینده‌اش بریزد، برای مصون ماندن از چشم‌زخم

مردم صحبت درباره آن اقدام را با کلماتی مانند «انشاءالله»، «بی حرف پیش» و یا «به امید خدا...» شروع می‌کند.

همچنین کسی که از وضعش راضی است برای بیان رضایتش نزد عزیزانش و مصون ماندن از چشم‌زخم، صحبتش را با کلمات «گوش شیطان کر، چشم شیطان کور، بحمدالله وضع مالیم خیلی رو به راه است» شروع می‌کنند.

بعضی از رانندگان برای دفع چشم‌زخم مردم از خود و وسائل نقلیه‌شان بر پشت آن عبارت «بر چشم بد لعنت» را می‌نویسند.

عده‌ای برای دور کردن چشم بد در جیب عزیزشان نمک می‌گذارند.



## دود کردن اسفند<sup>۱</sup>

یکی دیگر از راه‌های دفع چشم حسود یا چشم‌زخم، دود کردن اسفند است. اسفند را در مواقع خاصی دود می‌کنند، مثلاً برای کسی که بیمار شده باشد. جلوی کسی که از سفر، به خصوص از سفر زیارتی برگشته باشد، برای مادر و نوزاد تازه متولد شده، در مقابل عروس و داماد، به هنگام شروع سکونت در یک منزل نو، برای اتومبیل و یخچال و چیزهایی از این قبیل که تازه برای خانه خریده باشند، یا پس از آنکه مهمانی که معروف به داشتن چشم شور است، خانه را ترک کرده باشد.

برای دود کردن اسفند ابتدا یک مشت از آن را برمی‌دارند و دور سر آدم‌هایی که مورد نظرشان است یا دور چیزی که خریده‌اند می‌گردانند و بعد در حالی که می‌گویند «بترکه چشم حسود» آن‌را به داخل آتش گذاخته می‌ریزند. سپس ظرف دودکرده را به دور آن شخص یا اشیاء می‌گردانند.

بعضی یک مشت اسفند برمی‌دارند و ابتدا آن‌را دور سر شخص مورد نظر می‌چرخانند سپس آن مشت پر از اسفند را به شانه راست، شانه چپ، جلوی سینه و پشت شخص می‌زنند و هم‌زمان با انجام این عمل می‌گویند: بترکه چشم حسود، همسایه دست راستی، دست چپی، جلویی، پشتی. آن وقت اسفند را درون آتش

---

۱. دانه‌های سیاه رنگ اسفند را از بوته‌ای به همین نام، که در دشت‌ها و مناطق کوهستانی ایران به صورت خودرو درمی‌آید، می‌گیرند. حداکثر بلندی بوته این گیاه حدود ۵۰ سانتیمتر می‌شود. در تابستان گل‌های کوچک و سفید رنگ آن ظاهر می‌شوند. بعد از پژمردن و ریختن گلبرگ‌ها دانه‌های اسفند در درون محفظه‌ای کروی شکل می‌رسند، سپس محفظه ترک برمی‌دارد و دانه‌ها به بیرون می‌ریزند. فصل رسیدن دانه بر حسب مناطق مختلف از اواخر تابستان تا اوایل پاییز است. بعضی از کسانی که در روستاهای استان مرکزی دانه‌های اسفند را می‌گیرند معتقدند که دانه‌های اسفند را باید از بوته‌هایی گرفت که صدای خروس نشنیده باشند، به عبارت دیگر یعنی از بوته‌های دور از محل سکونت و آبادی. آنها دلیلی برای این اعتقادشان ذکر نمی‌کنند و به نظر می‌رسد که این باور از طریق سنت به آنها رسیده باشد. در عین حال شاید این باور از دیدگاه محیط زیست امروز قابل توجیه باشد. امروزه از نظر علمی می‌گویند که اسفند خاصیت میکروب‌کشی دارد. اطلاق نام فرشته نگهبان زمین، به این گیاه نیز قابل بررسی و تعمق است.

می‌ریزند و ظرف آن را دور سر شخص می‌گردانند و در همان حال می‌گویند:

اسفند دونه دونه      اسفند سی و سه دونه

اسفند خودش می‌دونه      هر کی از دشمنونه

چشم خویش و بیگونه      الهی بترکونه

در گذشته ذغال را درون منقل روشن و گداخته می‌کردند و معمولاً منقل اسفند مخصوص و کوچک بود؛ اما امروزه در جوامع شهری ظروف مخصوص اسفند دود کردن برقی و گازی هم به بازار آمده است. معتقدان به اسفند دود کردن، جِغِجِغِ اسفند بر روی آتش را به ترکیدن چشم حسود تعبیر می‌کنند. بعضی درون اسفندی که دود می‌کنند زاج می‌گذارند که آن معمولاً بعد از سوختن به شکل چشم درمی‌آید و باید با ته کفش آن کس که چشم خورده له شود.

### شکستن تخم مرغ

برای دفع چشم‌زخم از کسی که فکر می‌کنند بر اثر چشم بد بیمار شده باشد، تخم مرغ می‌شکنند. شکستن تخم مرغ مراسمی دارد که در نقاط مختلف با کمی تفاوت اجرا می‌شود. بیمار را رو به قبله می‌نشانند. شخصی که تخم مرغ می‌شکند باید وضو بگیرد، و بالای سر بیمار می‌ایستد. تکه زغال کوچکی با یک تخم مرغ خام برمی‌دارد و اسم افرادی را که ممکن است بیمار را چشم زده باشند با کمک اطرافیان به خاطر می‌آورد و با هر نامی که می‌گویند روی تخم مرغ یک دایره می‌کشد. این اسامی شامل همه افراد فامیل، همسایه‌ها، افراد خانواده و حتی خود شخص نیز می‌شود. وقتی اسم‌ها تمام شد هفت دایره دیگر به تعداد روزهای هفته روی تخم مرغ می‌کشند و همزمان می‌گویند «شنبه‌زا، یکشنبه‌زا،...» بعد روی سر باریک‌تر تخم مرغ یک سکه، به عنوان مثال ده‌تومانی می‌گذارند. بعضی این تخم مرغ را درون یکی از لباس‌های بیمار و بعضی آن را در یک تکه پارچه آب‌نדיده می‌پیچند. در گذشته مقداری خاکستر درون پارچه می‌ریختند و سپس تخم مرغ را روی آن می‌گذاشتند. سپس فردی که تخم مرغ را می‌شکند بالای سر بیمار تخم مرغ را طوری نگه می‌دارد که سکه به طرف بالا باشد. دو

انگشت شست را روی آن و دو انگشت سبابه را در سمت زیر تخم‌مرغ قرار می‌دهد. دوباره اسم افراد را می‌گویند و با هر اسم، آن شخص فشاری به تخم‌مرغ با انگشتانش، از زیر تخم‌مرغ و روی سکه وارد می‌کند. تخم‌مرغ به نام هرکسی که شکست می‌گویند او بیمار را نظر زده است. تخم‌مرغ را در جوی آب روان می‌اندازند و لباس و سکه را به فقیر می‌دهند.

بعضی به نوع دیگر تخم‌مرغ را می‌شکنند. ابتدا بر روی تخم‌مرغ دعای چشم‌نظر را می‌نویسند و سپس تخم‌مرغ را سه بار روی پیشانی تا ناف شخص می‌کشند و هر بار این دعا را می‌خوانند: بسم الله و بالله و علی اسم الله و اسم العین». سپس تخم‌مرغ را در مقابل شخص بیمار می‌شکنند و آن را در آب جاری می‌ریزند.

دعای چشم‌نظر چنین است:

«اللهم ربَّ مَطَرٍ حَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ لَيْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ رُدِّ عَيْنِ الْعَايِنِ عَلَيْهِ فِي كِبَدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مَالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ»

ترجمه: خدایا ای پرودگار باران در حبس و سنگ سخت و شب تار و هر تر و خشک، برگردان چشم چشم‌زخم زنده را به خودش، در جگرش و گلویش و مالش. پس برگردان چشم و نگاه کن آیا می‌بینی خلل و شکافی را. بار دگر برگردان دیده را، دوباره به سوی تو باز می‌گردد چشم در حالیکه خسته ناکام و اوست خسته و ناتوان.

### نظر قربانی

یکی دیگر از روش‌های دفع چشم‌زخم استفاده از «نظر قربانی» است. در برهان قاطع برای آن کلمه «چشم زد» به کار رفته و چنین تعریف شده است: «مهره‌ای باشد از شیشه سیاه و سفید و کبود که به جهت دفع چشم‌زخم بر گردن اطفال ببندند.» مهره اصلی نظر قربانی یک مهره سفالی با لعاب آبی لاجوردی و به شکل‌ها و

اندازه‌های مختلف است. بعضی به مهره «نظر قربانی»، «خرمهره» می‌گویند. مهره‌های دیگر همراه آن اجسامی به نام «مهره مار» و «چشم گفتار»<sup>۱</sup> هستند. عده‌ای به ویژه در جوامع کوچک‌تر و روستاها، آن را به گردن طفل خردسال خود می‌اندازند و یا بر سر شانه لباسش می‌زنند. حتی بعضی نظر قربانی را به حیوان‌های مزرعه خود که درشت و استثنایی باشند می‌آویزند؛ مثلاً به گاوی که به طور استثنایی پر شیر است. بعضی از صاحبان وسایل نقلیه آن را به آینه جلوی اتومبیل، تاکسی، اتوبوس یا کامیون خود آویزان می‌کنند. در «نوروزنامه» منسوب به حکیم عمر خیام، سنگ فیروزه و رنگ فیروزه‌ای برای دفع چشم زخم ذکر شده است. (دهخدا، ۱۳۳۸: ۷۵۶)

امروزه بعضی چنین تفسیر می‌کنند که چشم زخم عبارت از امواج منفی است که از بعضی چشم‌ها خارج می‌شود و رنگ آبی خاصیت دفع کننده دارد و بلافاصله آن را بی اثر می‌کند.

### دفع چشم زخم در نواحی شمال ایران

در بعضی از نقاط شمالی ایران مثل منطقه رامسر، برای دفع چشم زخم به کسی که فکر می‌کنند چشم بخورد سه بار قلُّ هُوَ اللهُ می‌خوانند و فوت می‌کنند. در این نواحی برای مریض اسفند هم دود می‌کنند. هنگامی که دود اسفند تمام شد زغال آن را یکی یکی در کاسه آب می‌اندازند و در حین انجام این عمل نام اشخاصی را که ممکن است بیمار را نظر کرده باشند، می‌گویند. سپس مقداری از آب آن را به صورت بیمار می‌پاشند و حتی کمی از آن آب را می‌دهند بخورد.

راه دیگر دفع چشم زخم نزد آنان چنین است که گزنه را بدون ریشه در آب می‌پزند. سپس هفت بار قلُّ هُوَ اللهُ می‌خوانند و به آن فوت می‌کنند و بعد می‌گذارند خنک شود. ساقه‌ای از گزنه را از داخل ظرف برمی‌دارند و آب آن را به صورت شخص نظر خورده

۱. می‌گویند «مهره مار» باعث محبوبیت شخص نزد مردم می‌شود و «چشم گفتار» نیز مهر فرد را در دل نزدیکان به خصوص همسرش می‌اندازد.

می‌پاشند تا «چشم‌نظر» از او دور شود. به زبان محلی به این آب «چُم آب» می‌گویند. تخم‌مرغ شکستن در این ناحیه به این ترتیب است که شخصی که تخم‌مرغ را قرار است بشکند ابتدا وضو می‌گیرد. بر روی تخم‌مرغ کلماتی از قرآن را می‌نویسند که به «ت» ختم شده‌اند. سپس هفت بار حمد و قُلْ هُوَ اللهُ یا انا انزلنا را می‌خوانند و به صورت فرد چشم‌خورده فوت می‌کنند. سپس تخم‌مرغ را توی کاسه می‌شکند و از آن به پیشانی، کف دست و پای چشم‌خورده می‌مالد و حتماً آن را به آب روان می‌ریزد.

### اعتقاد به چشم‌زخم در بعضی کشورها

در کشور ترکیه نیز برای دور کردن چشم بد از خود و نزدیکان و اموال خود از نظر قربانی استفاده می‌کنند. در بعضی از نقاط ترکیه حتی نظر قربانی را به یخچال و چرخ خیاطی و امثال آن نیز آویزان می‌کنند. همچنین آنها دانه‌های اسفند را در داخل خانه و ماشین خود برای دفع چشم بد می‌آویزند. در کشور انگلیس نیز بعضی که به چشم‌زخم اعتقاد دارند، مثل ایرانی‌ها برای دفع آن به چوب می‌زنند و در همین حال این جمله را می‌گویند:

Touch the wood and whistle (Oxford advanced Learner,s, 1993:78)

«یعنی بزن به چوب و سوت بزن»

### جمع‌بندی

یکی از باورهای مردم اعتقاد به چشم‌زخم است که در آن فردی از چشم بد یا شور یک نفر آسیب می‌بیند، در این زمینه راههایی برای دفع چشم‌زخم در فرهنگ‌ها و اقوام مختلف وجود داشته مواردی نظیر اسفند دود کردن، شکستن تخم‌مرغ، خواندن دعا و آیات قرآنی، نظر قربانی و..... از جمله آنها هستند. خلاصه اینکه این اعتقاد و باور هنوز در میان مردم وجود دارد و البته برای مقابله با آن از روش‌های سنتی و مدرن خاصی استفاده می‌شود.

## منابع

### الف - منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: سازمان چاپ و انتشارات ایران.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه: دکتر سیدجعفر شهیدی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۳- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی، فرهنگ فارسی برهان قاطع، خرد - نیما، تهران: بی تا.
- ۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- ۶- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، دیوان اشعار، تهران، ستارگان، ۱۳۷۲.
- ۷- اصفهانی، هاتف، دیوان اشعار، به تصحیح مرحوم وحید دستگردی، تهران، ابن سینا، ۱۳۲۲.
- ۸- بیهقی، خواجه ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تهران، مهتاب، ۱۳۷۶.
- ۹- پورداود، ابراهیم، یشت‌ها، (جلد ۱ و ۲)، تهران، طهوری، ۱۳۴۷.
- ۱۰- فروشی، بهرام، فرهنگ پهلوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۱- قمی، حاج شیخ عباس؛ کلیات مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات علمی، بی تا.
- ۱۲- معین، محمد: فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.



ب - منابع انگلیسی

1. Bartholomae, Christian, **Altiranisches Wörterbuch**, Walter de Gruyter & co., Berlin: 1961
2. Mac Kenzie, D.N.: **A Concise Pahlav: Dictionary**, London:, Oxford University Press, 1971.
3. Oxford Advanced Learners, **Encyclopedic Dictionary**, Oxford University press, 1993.

سایت استفاده شده

[www.ibiblio.org/PFAF/CGL\\_BLN/arr\\_html](http://www.ibiblio.org/PFAF/CGL_BLN/arr_html)

